

تبیین مفهوم مردم سالاری دینی در اندیشه سیاسی شهید آیت‌الله سید

محمد بهشتی

سجاد پناهی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰ / ۱۱ / ۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱ / ۰۱ / ۱۲

چکیده

قبل از وقوع انقلاب اسلامی ایران (۱۳۵۷ ه.ش.م)، مردم سالاری دینی در ادبیات حکومت‌داری جهان جایگاهی نداشته و چندان باوری هم بر این مقوله استوار نبوده و صفت دینی برای مردم سالاری، تحقق نیافتنی به‌شمار می‌آمد. اما از آنجایی که میانی فکری شهید بهشتی ریشه الهی داشته و متکی بر باورهای دینی ایشان بود؛ و این باور و جوهره‌ی قلبی، از وی انسانی راسخ و مصمم ساخته و چنان باوری داشت، که امکان تأسیس چنین حکومتی چندان هم مشکل نبوده و نیست؛ ولی اراده، انگیزه و همت همگانی خواص و حمایت عامه مردم را می‌طلبد و رمز این مهم را در حضور چشم‌گیر مردم در صحنه‌های انقلاب دانسته و مردم‌سالاری دینی را ضامن پیشبرد آرمان‌های انقلاب اسلامی می‌دانست. وی بر این اعتقاد استوار بود که بدون مردم در این مسیر، راهی از پیش نخواهد برد و ایمان داشت که اطاعت از دستورات امام انقلاب، و تبعیت‌پذیری از فرامین راهبردی امام خمینی رحمت‌الله‌علیه تنها راه تثبیت و بقاء نظام اسلامی است. این مقاله با روشی توصیفی-تحلیلی برآن است تا به این پرسش پاسخ دهد که مؤلفه‌های مردم‌سالاری دینی از نگاه تنورسین قانون اساسی انقلاب اسلامی یعنی شهید بهشتی کدامند؟ و این نوشتار، در پاسخ به سؤال تحقیق؛ واژه‌هایی مانند آزادی مدنی و بیان، عدالت (عدم فاصله طبقاتی)، توسعه اجتماعی (پیشرفت اجتماعی)، تحزب (رقابت سالم) و اخلاق سیاسی (رفتار اسلامی و سعه صدر) را از مؤلفه‌های مردم‌سالاری دینی می‌داند.

کلید واژه‌ها: اخلاق، آزادی، سعه صدر، جامعه مدنی، قانون‌گرایی، تحزب.

استناد فارسی (شیوه‌ی APA، ویرایش ششم، ۲۰۱۰؛ شیوه‌ی APSA)

پناهی، سجاد (۱۴۰۱). «تبیین مفهوم مردم‌سالاری دینی در اندیشه سیاسی شهید آیت‌الله سید محمد بهشتی». پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه، سال پنجم، شماره دوم، پیاپی ۱۸، صص ۱۰۴-۸۱.

^۱ دانش‌آموخته دکتری علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

ایمیل: Panahi.116@gmail.com

کپی‌رایت © ۲۰۱۰، ایسک (اندیشکده مطالعات راهبردی کریمه شیراز). این متن، مقاله‌ای برای دسترسی آزاد است که با توجه به استاندارد بین‌المللی CCA (Creative Commons Attribution) نسخه 4.0 توزیع شده است و به دیگران اجازه می‌دهد این اثر را با رعایت شرایط، آن را با دیگران به اشتراک بگذارند و مطالب را اقتباس کنند.

۱. مقدمه

طلوع خورشید روح الهی در ایران زمین، نوید بخش نسیم دلنشین آزادی بود. شعار استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی، از جمله شعارهای اصلی، کلیدی و محوری مبارزات مردم به شمار می‌رفت. تولد نظام اسلامی و رایحه امید بخش در ایران، نشانه تبلور خواست و حرکت توده‌های محرومی بود که سال‌ها زیر یوق سلطه استبداد و استعمار داخلی و خارجی (غربی) بوده و اجازه نفس کشیدن نداشتند. برای شناخت اندیشه و دیدگاه هر متفکر و نظریه‌پرداز، در گام نخست لازم است از مبانی و آبشخورهای فکری آن‌ها آگاه بوده و بنیادهای فکری هر نظریه‌پرداز را می‌توان در نگاه وی به واژه‌های کلیدی، از جمله جهان هستی، انسان، جامعه، طبیعت، منبع معرفت و جایگاه دولت و حکومت دنبال نمود. میزان درک و فهم نظریه‌پردازان نسبت به مباحث سیاسی از جمله آزادی و اخلاق سیاسی در تعاریف آنها از مفاهیم و تحلیل‌شان از رویدادها مؤثر است و ماحصلی با مبانی معرفتی، تعاریف و تحلیل‌های متفاوتی را به دنبال خواهد داشت. در این میان، به ذهن می‌رسد که آیت‌الله بهشتی به‌عنوان یک متفکر مسلمان، اخلاق محور، مبانی اندیشه خود را باید براساس آموزه‌های اسلامی و دینی پی‌ریزی کرده باشد. از این رو برای فهم درست اندیشه‌های وی لازم است به مبانی فکری و معرفتی وی توجه شود؛ چراکه فهم و درک جایگاه مفهوم آزادی و اخلاق در اندیشه ایشان در گرو شناخت درست مبانی فکری و جوهره نگرشی، ایشان است. در این مقاله در پی کشف مبانی اخلاقی اندیشه‌های سیاسی ایشان برآمدایم.

۲. نقش آزادی و عدالت اجتماعی در جامعه مدنی

هر چند جامعه مدنی جوهره مردم‌سالاری است اما برای تحقق جامعه مدنی که از نگاه آیت‌الله بهشتی سکوی مردم‌سالاری دینی است؛ جامعه به مؤلفه‌هایی مانند آزادی اجتماعی، توسعه، عدالت و پیشرفت همه جانبه (اقتصادی، سیاسی و فرهنگی) نیازمند است.

این نهضت علاوه بر اسلامی و مکتبی بودنش، حاوی پیام حیات بخش برای جهان، بویژه جهان اسلام بوده است. آن‌هم آزادی‌های اجتماعی فراگیر، و این درحالی است که رژیم‌های کهن، از جمله در غرب آسیا، سال‌ها از زمان استقرارشان می‌گذرد، ولی هنوز نتوانسته یا نخواسته‌اند برای ملت‌هایشان چنین آزادی‌یی به ارمغان بیاورند در میان مؤلفه‌هایی که تقویت‌کننده معنایی از دنیای مدرن هستند، بی‌تردید مفهوم آزادی، اخلاق محور است، و اگر این حریت اجتماعی در رتبه نخست نباشد، در مرتبه‌های اولویت‌دار جامعه مردم‌سالار دینی جای دارد. نسبت اسلام و آزادی همواره محل بحث صاحب نظران بوده و نظریات متعدد و گاه متضادی طرح شده است. انقلاب اسلامی ایران از جدی‌ترین مجال‌هایی بوده و هست که نسبت اسلام و آزادی را در عمل به آزمون گذاشته است.

آیت الله بهشتی در تدوین قانون اساسی که همان نقشه راه نظام اسلامی می باشد، با رویکرد آزادمنشانه عامه عمل کرده اند. وی برخلاف رویکردهای مطلق نگر و انکاری، نگاهی منصفانه و نقادانه به لیبرالیسم و دولت های دست نشانده آن، بویژه در غرب آسیا داشته و کوشیده است با تمیز دادن سره از ناسره، ارزیابی علمی و دقیقی از این مکتب فکری ارائه دهد و در نهایت پس از تبیین نظری، نسبت اسلام و آزادی، با ارائه راه کارهای عملی؛ آزادی در نظام نوپای اسلامی را در قالب اصول مترقی قانون اساسی، مهندسی کرده و بیان کند. آزادی یکی از مفاهیم بنیادی در فلسفه سیاسی اسلام محسوب می شود. در اسلام انسان واجد استعدادهای فراوان و تمایلات عالی است و همین استعدادها و تمایلات منشأ آزادی وی شمرده می شود (عمید زنجانی، ۱۳۸۸: ۴۱۸).

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت امام خمینی رحمت الله علیه، آزادی به عنوان یکی از آرمان های اساسی انقلاب مطرح گردید و از زمینه های اصلی تأسیس حکومتی با آموزه های شیعی در ایران شناخته شده است. هم زمان با تدوین و تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل آزادی به عنوان اصل اساسی در قوانین و آموزه های انقلاب اسلامی و یکی از پایه های مشروعیت حکومت اسلامی عنوان شد است. امام خمینی رحمت الله علیه، از کسانی بودند که بیش ترین تأکید را بر آزادی و تأسیس نظامی متکی بر آزادی داشتند. شاگردان ایشان، از جمله شهید بهشتی، در طول حیات خود نیز بر آزادی به عنوان حق مسلم ملت، در چارچوب اسلام تأکید داشتند.

امروزه با گذشت بیش از چهار دهه از انقلاب اسلامی، مفهوم آزادی در اسلام و حدود آن متأثر از شرایط موجود در جهان و گسترش اندیشه های غربی هم چون لیبرالیسم و فردگرایی تا حدی مورد فراموشی و غفلت واقع گردیده و به دقت مورد کنکاش، بررسی و تبادل نظر قرار نگرفته است. در این میان شهید بهشتی به عنوان محقق و متفکر اسلامی که با درک دقیق شرایط و شناخت نیازهای زمان و اهمیت آزادی، اخلاق محور، به بررسی مفهوم آزادی مبادرت نموده و به عنوان یکی از شاگردان حضرت امام رحمت الله علیه جایگاه و اهمیت ویژه ای می یابد. این جایگاه برجسته در اصول متعدد قانون اساسی خود را به خوبی نشان می دهد.

شهید بهشتی به عنوان اندیشمند و متفکر اسلامی، در دیدگاه خود پیرامون مفهوم آزادی، متأثر از مبانی معرفت شناسانه، هستی شناسانه و انسان شناسانه ی اسلامی است، که امروزه از دریچه هرمونیتیک هم به آن می نگرند. لذا در برخورد با اندیشه و تفکر لیبرالیسم، ضمن نقد مکتب لیبرالیسم، مبانی معرفت شناسانه و به عبارتی روش نتر، آبخورهای فکری این مکتب را نیز مورد انتقاد قرار می دهد و در نهایت تلاش می کند تا با نگاهی چند محوری به جایگاه انسان در هستی، منبع معرفت در اسلام و هدف مند بودن آفرینش، مفهومی اسلامی، اخلاقی از آزادی را ارائه نماید.

یکی از وظایف مهم انسان برای دستیابی به آزادی، مبارزه و طرد استبداد درون و استعمار برون است؛ اسلام، آزادی را گوهر آدمی دانسته و بدون آزادی و اختیار، انسان را مکلف نمی داند. ارزش بنیادین آزادی وقتی احساس می شود که انسان توان فرمان برداری و نافرمانی را توأمان داشته

باشد، اهمیت آزادی در حیات انسان تا بدان جاست که دکتر بهشتی آن را معیار و اکسیر وجودی شناخت انسان تلقی می‌کند.

جوهر وجودی آدمی به انتخاب آگاهانه و آزادانه‌ی اوست. زیرا جبر و اختناق گوهر آزادی انسان را لگد مال می‌کند. در دین مبین اسلام، هیچ چیز به انسان تحمیل نمی‌شود؛ آزادی تنها هدیه‌ی والایی است که از سوی خداوند متعالی برای رسیدن انسان به کمال، ارزانی شده است. دکتر بهشتی معتقد است نفی و سلب آزادی، مساوی با مسخ شخصیت و انسانیت انسان است، زیرا وقتی آزادی نباشد، انتخاب معنا ندارد و وقتی انتخاب معنا نداشت، دیگر انسان نمی‌تواند خالق شخصیت، هویت و معمار و سازنده سرنوشت خویش باشد.

در میانی فکری وی، آزادی انسان، ذاتی و فطری است و سلب آزادی در واقع برای او مسخ جوهره انسانیت و شخصیت انسان است. چنین انسانی با آزادی که به مثابه چراغ هدایت بشر است، راه سرنوشت خویش را می‌یابد و در پی آن حرکت می‌کند تا به مطلوب، منظور و مقصود خویش نایل آید. اگر آزادی از آدمی دریغ شود، چگونه می‌توان انتظار داشت که انسان پیامبران الهی را درک کرده و به آنان ایمان بیاورد. دکتر بهشتی معتقد است آزادی بدون درک و فهم اجتماعی یک نوع اسارت فردی است، زیرا اکثر امت‌ها در عین آزادی، پیامبران خود را به قتل رسانده‌اند و این نشانه‌ی همان فقدان درک و فهم سیاسی و اخلاقی از آزادی و موقعیت آن است. و لذا آزادی چاقویی است دو منظوره، یعنی اگر در دست جراح قرار گیرد، چاره مشکل و درمان درد است و اگر در دست جرار بیفتد، ویرانگری جبران ناپذیری است. پس؛ آزادی به ما هو آزادی چندان کارساز نیست و این فهم و درک انسان از آزادی و موقعیت آن است که نوید بخش طلوع جامعه مدنی و مدینه النبی صل‌الله‌علیه‌وآله است.

آزادی واژه‌ای است که برداشت واحد و یکسانی از آن نشده و نمی‌شود. سید محمد بهشتی معتقد است که اندیشمندان و علما در فرایند تاریخ، آزادی را به اشکال مختلفی تعریف کرده‌اند، وی این عامل را ناشی از آن می‌داند که این مفهوم نیز هم‌چون مفاهیم عمیق و پربار دیگر، متأثر از زمان، پیشرفت زمان و مکان است و در هر زمان، متناسب با شرایط اجتماعی، فرهنگی، نیازها و حساسیت‌های موجود در جامعه و فرهنگ و جو حاکم بر زمان، معنای خاصی دارد. با این تعریف از آزادی، به این مهم دست می‌یابیم که جهان نمی‌تواند یک نسخه واحد فرهنگی، اقتصادی و سیاسی داشته باشد. زیرا این سه واژه کلیدی اجتماعی وابسته به شرایط اجتماعی، پیشرفت، موقعیت و زمان است. در واقع یک نسخه بومی با اولویت کشور، منطقه و بین‌الملل نیاز دارد.

آزادی در شاکله فکری سید محمد بهشتی، یعنی تسلط انسان بر ساختن خویش و ساختن محیط زندگی است. امتیاز انسان بر همه موجودات دیگر عالم طبیعت این است که می‌تواند بر طبیعت

۱. «لا إكراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی»

هژمونی داشته باشد و شرایط طبیعی را بر وفق مراد و نیاز خود دگرگون کند یا در برابر هجوم عوامل نامساعد طبیعی، سد و مانع به وجود آورد. در پرتو چنین سلطه‌ای است که انسان می‌تواند حاکم بر خود، محیط طبیعی، جامعه و نظام سیاسی شود و بر همه، تأثیر اساسی بگذارد. پس انسان موجودی است آزاد، خودساز و محیط‌ساز؛ آزاد از جبر طبیعت و آزاد از جبر جامعه و تاریخ. دکتر بهشتی ضمن تعریف آزادی به تسلط انسان بر ساختن خویش و ساختن محیط خویش، در واقع دو معنای متمایز آزادی را یادآور می‌شود که البته وابستگی تام و تمامی با یکدیگر دارند؛ که عبارتند از:

۱- آزادی به معنای یک نیاز عمیق و اصیل درونی که هر فردی به‌طور طبیعی خواهان آن است و از عدمش رنج می‌برد.

۲- آزادی به معنای یک واقعیت اجتماعی است که انکارش و فقدانش نمی‌تواند برای بشر دائمی یا طولانی باشد.

یعنی وی معنای فردی و معنای اجتماعی را از هم تفکیک می‌کند. معنای فردی آزادی، خواستی است ذاتی و درونی و به شخص انسان مربوط می‌شود و معنای اجتماعی آن، واقعیتی است اجتماعی که به نوع روابط اجتماعی مربوط می‌شود. در نگاه دکتر بهشتی، آزادی به معنای فردی آن، آزادی از قید و بند است و انسان هنگامی این قید و بند را احساس می‌کند که بدان آگاهی و حساسیت داشته باشد. تا آگاهی و شناخت از پدیده‌ای برای انسان حاصل نشود، نمی‌توان با آن برخورد منطقی و عاقلانه‌ای داشت. در صورتی که قید و بندها به خوبی شناسایی نشوند، انسان نمی‌تواند برای رهایی و آزادی از آنها اقدامی مفید و مؤثر داشته باشد.

مهم‌ترین عامل برای رسیدن به آزادی، آگاهی و شناخت است. وی در جای دیگری، به معنایی از آزادی که مورد نظر متفکران غربی است اشاره می‌کند؛ که بشر غربی امروری آزادی را بیش‌تر به معنای رهایی از قید و بند و قدرت دانسته و انسان غربی چنین می‌فهمد؛ موقعی آزادتر است که بهتر و بیش‌تر بتواند به خواسته‌های خود که غالباً مادی و شخصی است، برسد و یک چنین برداشتی از آزادی، بدون شک درست نیست؛ زیرا در همان لحظه‌ای که انسان خود را مقید ساخت تا به تمامی خواسته‌هایش برسد؛ خود را به بند کشیده است؛ آن هم بند اطاعت از خواسته‌ها و تمایلات فردی، زیرا آزادی مفید، حد و حصر دارد؛ یعنی فرد تا جایی آزاد است که آزادی دیگران را سلب و مخدوش نکند. آزادی که فوندانسیون یا پی آن سلب آزادی دیگران باشد، خوی حیوانی است و برای جامعه مضر و خسارات آن جبران‌ناپذیر بوده و زمینه‌ساز دیکتاتوری تمام عیار و اوج بی‌عدالتی در اجتماع بشری است.

شهید بهشتی با رد این معنا، می‌خواهد بفهماند که نباید حتی در بند آزادی بود، بلکه باید از بند آزادی مخرب نیز رهایی یافت. آزادی تنها به معنای آزادی از قید و بند و قدرت بر انجام هر آنچه انسان می‌خواهد نیست، بلکه به این معنا هم هست که انسان، خود را از قید خود آزادی، که

انسان را بیش از هر بند دیگری به بند می‌کشد، آزاد سازد. بنابر این، آزادی هم جلوه‌ای درونی می‌یابد و هم جلوه‌ای برونی، آزادی درونی نجات از همه قید و بندهای هوا و هوس است و در واقع، آزادی از تمامی تعلقات درونی است و آزادی بیرونی، رهایی از همه زنجیرها و موانعی است که مستبدان بر سر راه انسان گذاشته‌اند و آدمی را اسیر و مجبور خواسته‌های خود کرده‌اند.

آیت‌الله بهشتی، ارج و تقدس دفاع از آزادی اجتماعی را، همان عدالت اجتماعی می‌داند، و به این دلیل که آزادی، از یک خواسته و نیاز درونی افراد جامعه ناشی می‌شود و به همین دلیل «کسی که از این نوع آزادی دفاع می‌کند، در حقیقت از انسان و شرافت انسانی دفاع می‌کند». در واقع دفاع از آزادی جامعه، دفاع از انسان و دفاع از کلیه خواست‌ها و نیازهای اصیل انسانی است. آزادی در جامعه‌ای وجود دارد که به صورت یک واقعیت درآمده باشد، یعنی از متن روابط اجتماعی حاکم نشأت گرفته باشد. اگر آزادی از بطن جامعه سر بر نیاورده و پایگاه اجتماعی نداشته باشد، چیزی جز آزادی کاذب نیست. آزادی به عنوان یک واقعیت اجتماعی، هم‌چون دیگر واقعیت‌های اجتماعی، چیز انتزاعی و جداگانه‌ای نیست تا بتوان بدان دست یافت، بلکه از متن جامعه سر برمی‌آورد و باید آن را فعلیت بخشید و تحقق داد (بهشتی، ۱۳۸۱: ۵۱-۳۳).

شهید بهشتی در نهادینه کردن آزادی‌های اجتماعی و سیاسی و گنجاندن آن در منشور اساسی جمهوری اسلامی نقش کلیدی داشته است. آن هم با وجود نظرات متعدد با طرفداران قابل توجه در مجلس خبرگان قانون اساسی، درباره تحدید آزادی‌های اجتماعی و سیاسی، با تشریح، تبیین و روشن‌گری‌های ایشان اصولی به تصویب رسید تا آزادی‌های اجتماعی تضمین گردد، گرچه در عمل و اجرا تا رسیدن به وضع مطلوب فاصله وجود دارد، که خصلت هر حکومت سیاسی است هر چند اسلامی هم باشد؛ زیرا نمی‌شود تحکم مدیران را در مدیریت اجتماعی به صفر رساند.

دکتر بهشتی بر این باور بود که انسان، انسانیت، وجدان بشری و دین اسلام با آزادی و در محیط آزاد رشد می‌کند. اجبار و تحمیل را برای اجتماع بشری مفید و کارساز نمی‌دانست و بر این عقیده استوار بود که محدود کردن آزادی انسان، مانع رشد اوست؛ چنان‌که ایجاد محدودیت نسبت به آزادی‌های اجتماعی و سیاسی در جامعه، مانع رشد اجتماع و ابعاد گوناگون آن ائمه از فرهنگی، اقتصادی و سیاسی است.

در میان آزادی‌های اجتماعی، «حق نقد و انتقاد از دولتمردان»، جایگاه ویژه‌ای دارد و یکی از مهم‌ترین راه‌کارهای جلوگیری از خطر خودکامگی، خودسری و دیکتاتوری دولتمردان و تبدیل شدن مردم و مدیران رده‌های پایین به عناصر فاقد شعور و اراده می‌باشد. و این حرکت و فعل از جمله حقوقی است که نمی‌توان تحت هیچ شرایطی از مردم سلب کرد. اگر برخی از حقوق و اختیارات مردم را بتوان تحت عناوین ثانویه مثل «ضرورت، ضرر و حرج» محدود و مقید کرد، ولی تحت هیچ شرایطی، آزادی نقد و انتقاد از دولتمردان را نمی‌شود از مردم گرفت. زیرا تحت هیچ عنوان ثانوی قابل تحدید و تعطیل نیست. شهید بهشتی در جمع دانشجویان می‌گوید:

«آزادی انتقاد از رهبران در اسلام کم رنگ است. هیچ حکومتی به طور کلی تحت هیچ شرایطی حق ندارد، آزادی انتقاد از رهبران را از مردم بگیرد. حیف که نمی توانم خیلی با اصطلاحات فقهی حرف بزنم و الا می گفتم. چون چیزهایی هست که فقها می گویند به عنوان اولی، واجب است ولی به عنوان ثانوی حرام می شود. بعضی چیزها هست که عنوان ثانوی ندارد^۱. ما در شرایط فوق العاده هستیم، با دشمن های مختلف روبه رو هستیم، حکومت نظامی اعلام می کنیم، این در اسلام نیست» (بهشتی، ۱۳۸۶: ۱۳۵ و ۱۳۶)

امیر مؤمنان علیه السلام در مسند خلافت به مردم گوشزد می کند:

«از گفتن سخن حق یا مشورت توأم با عدل و داد خودداری نکنید؛ زیرا من خود را بری از اشتباه نمی دانم و از خطا در کارهایم ایمن نیستم، مگر این که خدای بزرگ مرا حفظ نماید» (امام علی، نهج البلاغه، خطبه ۲۱).

بهشتی از کسانی بود که استدلالش، مبنای فکریش را نشان می داد. وی معتقد است نظامی که بخواهد بر ایمان قلبی مردم تکیه داشته باشد، باید اولاً برای حفظ و حراست ایمان مردم اهمیت زیادی قائل باشد. و دوماً برای ایمان مردم در ساختن زندگی سعادت مندانه، آرامش بخش و آزاد، نقش بنیادی ببیند. زیرا وقتی نظامی سیاسی و اجتماعی بر ایمان مردم متکی باشد، اگر ایمان متزلزل شد، نظام هم متزلزل شده و آسیب می بیند (صورت مشروح مذاکرات بررسی نهایی قانون اساسی، ۱۳۶۴: ۱۷۲۸-۱۷۲۹). دیدگاه فوق کاملاً منطبق با معیارهای شناخته شده فقه جعفری است (غاشیه، ۲۱-۲۵).

ممکن است در شرایطی بتوان حاکمیت سیاسی را بر دیگران تحمیل کرد، اما عقیده و ایمان، فکر و اندیشه، به ویژه در دوران معاصر که روح تقلید و تبعیت در بعضی مردم رو به ضعف، و تمایل به منطق و استدلال رو به قوت نهاده، قابل تحمیل نیست. شهید بهشتی آزادی اجتماعات و راهپیمایی اعتراض آمیز را، حق مسلم مردم می دانست، مشروط بر آن که بعضی محل مبانی اسلام و اجتماعات مردمی در رسیدن به اهداف خود نباشد (همان، ۶۸۳).

در نظر قانونگذار اساسی برای تجمعات مردمی، هر چند علیه دولت باشد نیازی به اجازه گرفتن ندارد؛ ولی برای بقاء نظم حاکم بر جامعه باید با دولت هماهنگی صورت بگیرد. که امروزه در قوانین عادی ما وجود دارد. یکی دیگر از حقوقی که شهید بهشتی با استناد به آن، اصول متعددی از قانون اساسی را سامان داد، حق آزادی مردمی در نظارت بر حکومت است که یکی از اصول خدشه ناپذیر، قانون اساسی جمهوری اسلامی است که عبارتند از:

۱- حق تعیین سرنوشت و حاکمیت مردمی

۱. فَلَا تَكْفُرُوا عَنْ مَقَالَةٍ بِحَقِّ أَوْ مَشُورَةٍ بَعْدَ مَا قَالْتُمْ لَسْتُمْ فِي نَفْسِي بِفَوْقَ أَنْ أخطئَ وَلَا آمَنُ ذَلِكَ مِنْ فِعْلِي إِلَّا أَنْ يُكْفِيَ اللَّهُ مِنْ نَفْسِي مَا هُوَ أَمْلَكُ بِهِ مِنِّي.

۲- حق نقد، انتقاد و اعتراض ملت نسبت به دولت

۳- وجوب امر به معروف و نهی از منکر، طبق قاعده نصیحت ائمه مسلمین؛

زیرا در بینش اسلامی، استبداد، خودرأیی و خودکامگی جایی ندارد. وی در تعلیمات کارگاهی حزب جمهوری می‌گوید

«حکومت اسلامی آن حکومتی است که حکومت‌کنندگان آن تشنه قدرت نباشند و ما روی این اصل تکیه فراوان می‌کنیم. تربیت فردی و تشکیلاتی حزب باید پایه‌اش همین باشد. جاه‌طلبانی که جاه‌طلبی و بزرگ‌طلبی و به قدرت رسیدن، آرمان آن‌هاست، نباید در رأس حزب قرار بگیرند و به همین جهت در سیاست داخلی حزب، سعی می‌شود به یک یک اعضا، این بینش و حساسیت داده شود که در برابر جاه‌طلبان حساس باشند^۱ این تعبیر قرآن است. آن سعادت آخرت، آن دار و سرای آخرت را ما برای مردمی قرار داده‌ایم که در روی زمین دنبال تفوق و ریاست و فساد نباشند. این تعلیم اسلام است و این آرمان و شعار یک سازمان اسلامی است» (بهشتی، ۱۳۸۰: ج ۳/۱۳۵ و ۱۳۶؛ نائینی، ۱۳۹۳).

شهید بهشتی با چنین نگرشی در میدان‌های اجتماعی و سیاسی فعالیت می‌کرد. به همین جهت برای قدرت و مقام، «موضوعیت» قائل نبود، که برای دستیابی به آن، هرگونه اقدامی را مجاز بداند. برای خارج کردن رقبا از صحنه، به هر وسیله و ابزاری متوسل شود. او برای فعالیت اجتماعی و سیاسی، چهارچوبی قائل بود و در گفته‌ها و نوشته‌های خود آن را ترسیم کرده و در عمل نیز بدان ملتزم بود. وی بارها گوشزد می‌کرد که:

«ملت ما باید بداند، که اگر می‌خواهد این انقلاب به خوبی به ثمر برسد، بیش از هر چیز باید اجرای همه قوانین انقلابی، از راه قدرت قانونی و نظم الهی - اسلامی صورت بگیرد و هرگونه خودکامگی، حتی در راه اجرای آن چیزی که حق به نظر می‌رسد، حق را پایمال خواهد کرد» (صورت مشروح مذاکرات بررسی نهایی قانون اساسی، ۱۳۶۴: ۱۵۱۷/۳؛ امر به معروف و نهی از منکر؛ همان، ۱۳۹۵، حقوق شهروندی در اندیشه اسلامی).

یکی از شاهکارهای شهید بهشتی که بوی حریت علوی - اسلامی می‌دهد و انسان را به یاد جنگ جمل و رشادت علی علیه‌السلام در مقابل اسارت عایشه می‌اندازد؛ موقعی بود که امیرالمومنین علیه‌السلام در این موقعیت قرار گرفتند و به احترام پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله صحابی خاص خود، محمد بن ابوبکر را که برادر عایشه بود مأمور محافظت از جان عایشه نمود، در شورش‌های خیابانی سال ۵۹ بود؛ که از سوی سازمان منافقین و بنی‌صدر، رئیس‌جمهور وقت طراحی شده بود؛ همسر و دختر وی توسط نیروهای انتظامی دستگیر شدند. ایشان بر خلاف معمول سیاستمداران که از چنین فرصتی بر علیه رقیب خود استفاده می‌کنند، با اصرار به دادستان کل کشور دستور داد که آن دو را آزاد کنند.

۱. تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجِهَا لِيَذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فُسَادًا (قصص، ۸۳).

استدلال ایشان این بود که ما با بنی صدر طرف هستیم که مرتکب جرائمی شده، دستگیری همسر و دختر او موجب می شود که اختلاف و نزاع ما جنبه شخصی پیدا کند (مهاجری، سایت انتخاب، هشتم تیرماه ۱۳۹۳ به نقل از خاطرات مسیح مهاجری، مدیرمسئول روزنامه جمهوری اسلامی و عضو شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی).

موقعی که کارایی در یک سیستم اجتماعی - سیاسی تنزل می کند؛ نشانگر عواملی چند از جمله «ذبح اخلاق سیاسی در جامعه انسانی»، «بستن باب انتقاد مردمی» و «برچیده شدن نظارت اجتماعی» است. شهید بهشتی می گوید:

«ما همواره به رأی و اندیشه و نحوه رفتار و کردار افراد جامعه کاملاً احترام گذاشته و می - گذاریم و هم چنان به اصل نقادی معتقد بوده و هستیم و مراکز علمی را مطالب گر دانسته و مسؤولان را موظف به حضور در دانشگاه ها و مؤسسات آموزشی، جهت پاسخ گویی به انتقادات می دانیم؛ زیرا اعتقاد راسخ داشته و داریم که این مراکز، مطلوب ترین اماکن برای برافراشتن پرچم آزادی و اخلاق اسلامی است. در میانی اسلامی دو واژه مقدس آزادی و اخلاق اسلامی تفکیک ناپذیر و زمینه ساز رشد و پیشرفت و به منصفه ظهور نشانند استعدادهای نهفته جامعه است.»

وی میان انتقاد دلسوزانه، خیرخواهانه و درعین حال اخلاق مدارانه و انتقاد مغرضانه و تفرقه افکنانه تفاوت فاحشی قائل بوده و معتقد است انتقادی که بر محور اخلاق اسلامی استوار باشد، برای مسؤولین سازنده و مفید خواهد بود، و هیچ مقامی، در هیچ سطوحی از مسؤولیت، حق ندارد مانع چنین انتقادی بشود.

در قاموس فکری دکتر بهشتی رویکردی وجود داشت که نه تنها از انتقاد در جامعه اسلامی نمی هراسید بلکه از آن دفاع می کرد و همواره در سخنان خویش در پی تأمین و تضمین امنیت انتقاد کنندگان بود و همیشه با صراحت لحجه بیان می کرد، هر جا در هر کجای ایران کسی مزاحم و متعرض انتقادگران شود مورد تنفر ماست. وی از همه برادرها و خواهرهای با ایمان و عاشق و شیفته انقلاب تقاضا می کند که جو پاک و مطهر جمهوری اسلامی را با این گونه موضع گیری های مخالف با خواست اسلام، آلوده نسازید. زیرا از نظر ایشان، «انتقاد» همان فریضه امر به معروف و نهی از منکر است که از فروع دین مبین اسلام به شمار می رود و اسناد اعتباری خود را از قرآن می - گیرد، که خداوند با شرایط خاص امت اسلامی را مأمور اجرای آن کرده است (فارسی، ۱۳۶۱: ۵۶). قرآن در سوره رعد، آیه شریفه ۱۱ می فرماید:

« إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ ... »

حال قومی تغییر نخواهد کرد مگر آن قوم خودش طالب تغییر باشد»

آزادی اجتماعی و اخلاق اسلامی در اکسیر فکری شهید بهشتی جایگاه خاصی دارد؛ که این برداشت نشأت گرفته از نگاه ایشان به انسانیت انسان است و در یک تقسیم بندی کلی دو نوع نگاه

به انسان وجود دارد؛ نخست نگاه قیّم مآبانه که معتقد است باید اندیشه‌ها و ارزش‌های دینی را به انسان‌ها تحمیل و دیکته کرد؛ نگاه دیگر، انسان را موجودی حر و انتخاب‌گر می‌بیند (لک‌زایی، ۱۳۸۲: ۵۲). قرآن در سوره کهف، آیه ۲۸ می‌فرماید:

«وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ»

بگو حق از جانب پروردگارتان است؛ هر کس می‌خواهد باور کند و هر کس می‌خواهد باور نکند».

از منظر اندیشه شهید بهشتی، آزادی اگر از مدار اخلاق اسلامی خارج شود، ضمن این‌که آزادی دیگران را سلب و مخدوش خواهد کرد، به آزادی خود فرد هم آسیب جدی خواهد رساند (بهشتی، ۱۳۸۱: ۲۰). حریت در پذیرش دین مبین اسلام حاکی از آن است که خداوند بندگان را در دعوت به آئین الهی مختار و آزاد گذاشته است، زیرا پذیرش اسلام برای بندگان، از سوی پروردگار متعال اجباری و دستوری نیست؛ بلکه یک نوع باور قلبی از ناحیه مردم است و این ایمان قلبی با جبر حاصل نمی‌شود و نیاز به یک اراده و انگیزه‌ی آگاهانه و آزادانه دارد (لک‌زایی، ۱۳۸۲: ۵۲).

شهید بهشتی، اسلام و آزادی را دو واژه جداناپذیر دانسته و آزادی را بزرگ‌ترین شعار اسلام می‌داند و تأکید دارد که اسلام معتقد است: انسان تا آزاد نباشد، به درجه انسانیت نمی‌رسد و در آن باقی نخواهد ماند (بهشتی، بی‌تا (ب): ۱۱۳ و ۱۱۴). وی سکوی پرش انسان را طبیعت می‌داند و افراد می‌بایست جهش‌های فراتر از طبیعت را کسب نمایند و آن‌هم رهایی از بندگی طبیعت و کسب آزادی بر محوریت اخلاق حسنه است (بهشتی، ۱۳۸۱: ۵۲-۳۳).

از نقطه نظر دکتر بهشتی، گرایش انسان به آزادی، ذاتی، فطری و گره خورده به قوه عاقله و در عین حال ارادی و انتخابی است. اگر انسان بتواند واژه‌هایی مانند آزادی، عقل، خلاقیت، فن‌آوری، اراده و انگیزه را به استخدام خود درآورد؛ به یک پهنه‌ی وسیع و گسترده‌ای از آزادی دست یافته، و به راحتی و سهولت، در کم‌ترین زمان ممکن، قادر است بر طبیعت چیره شود و به ساختن خود و محیط خویش بپردازد و سپس شرایط را به نفع خود متحول کند (واحد بنیاد شهید انقلاب اسلامی، ۱۳۶۱: ۱۱۸۳؛ ستوده، ۱۳۷۸: ۸۷؛ فارسی، ۱۳۶۱: ۵۷؛ لک‌زایی، ۱۳۸۲: ۵۵).

شهید بهشتی باتوجه به آموزه‌های قرآنی، بر این باور است که سطح و کیفیت روابط و مناسبات اجتماعی و اقتصادی، روی نحوه‌گزینش انسان تأثیر به‌سزایی دارد، ولی در عین حال، اختیاری و غیر جبری است؛ اما انسان برای بهتر زندگی کردن می‌بایست آزادی خود را مهندسی کند؛ یعنی آزادی خود را در باکس اخلاق ریخته و تضاد آن را با اجتماع بشری بر طرف نماید؛ هرچند این مهندسی آزادی، ممکن است برای انسان محدودیتی به ارمغان بیاورد، ولی از طرفی، تضمین‌کننده‌ی

۱. لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ (بقره/۲۸۶).

اخلاق و عدالت اجتماعی است (بهشتی، بی تا (الف): ۱۰۵؛ بهشتی، ۱۳۸۱: ۵۲؛ لکزایی، ۱۳۸۰: ۱۶۲؛ فارسی، ۱۳۶۱: ۵۷).

دکتر بهشتی با مقدم دانستن آزادی بیرونی بر آزادی درونی، معتقد است که انسان برای آزادی دیگران باید بیش تر اهمیت قائل باشد و در همین راستا بر حدیث پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله تأکید دارد که می فرماید «من أصبح و لا یهتم بأمور المسلمین، فلیس بمسلم». یعنی «هر کس صبح کند و به فکر گره گشایی مسلمی نباشد مسلمان نیست». وی سعادت انسان را در فلاح و رستگاری دیگران می بیند؛ در واقع اسلام برای آزادی انسان ضابطه قرار داده است؛ یعنی انسان، آزادی دارد؛ ولی این آزادی حد و مرز می شناسد؛ و آن هم آزادی دیگران است (واحد بنیاد شهید انقلاب اسلامی، ۱۳۶۱: ۱۰۶۷؛ لکزایی، ۱۳۸۲: ۴۹؛ بهشتی، ۱۳۶۱: ۱۱۵۷؛ فارسی، ۱۳۶۱: ۵۸؛ لکزایی، ۱۳۸۵: ۷؛ بهشتی، ۱۳۸۸: ۲۱۰؛ بهشتی، ۱۳۸۱: ۵۲).

۳. نقد انسان گرایی (اومانیزم)

انسان گرایی جوهره‌ی مکتب مادی لیبرالیسم است که فرد در آن از جایگاه خاصی برخوردار است. آیت الله بهشتی قبل از به چالش کشیدن نقاط ضعف این مرام، ضمن تعریفی از لیبرالیسم، اهمیت فرد در این مکتب مادی غیر الهی را بیان کرده و تأکید دارد که رشد انسان مستلزم داشتن آزادی اجتماعی است (بهشتی، بی تا (ب): ۹۴). از آن جایی که ما مسلمانان به پیامبر درون و برون (عقل، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله) معتقد هستیم، شهید بهشتی می گوید:

«هنای عقلی لیبرالیسم، نشأت گرفته از راسیونالیسم است که باور دارد، انسان با خرد خویش، قادر است نیازهای خود را بشناسد. و لذا بزرگ ترین نقاط افتراق این مکتب با اسلام این است که آن ها عقل را راهبرد تام و تمام برای راهبری و هدایت بشر و کافی می دانند، و لذا نیازی به پیامبر برون و وحی الهی ندارند» (بهشتی، بی تا (الف): ۸۷).

وی در کتاب حق و باطل در قرآن، بر نقشه راه، برای هدایت و تعیین مسیر انسان تأکید می ورزد و آن را مقدم بر وحی می داند و معتقد است که اسلام می خواهد بشر، با شناخت خود، که مقدمه‌ی شناخت خداوند است، وحی الهی را که سخن خداوند است بپذیرد. حدیث قدسی «من عرف نفسه فقد عرف ربه»، یعنی انسان باید ابتدا خود را بشناسد و سپس این خودشناسی را زمینه‌ی خدا-شناسی کند. اگر انسان این فرایند را به خوبی طی نماید، دین خداوند را خوب درک کرده است، و آن وقت است که وجود پیامبر را در کنار دین و عقل ضروری می داند (بهشتی، ۱۳۸۵: ۳۹). دکتر بهشتی بر این باور است که دو نوع لیبرالیسم وجود دارد که عبارتند از «لیبرالیسم فردگرا» که اصالت را به فرد می دهد، یعنی فرد همه کاره است، هم می تواند خودش را بسازد و هم به سعادت برسد. و در برابر لیبرالیسم فردگرا، «لیبرالیسم جمع گرا» قرار دارد. لیبرالیسمی که با سوسیالیسم و حاکمیت

جمعی، هماهنگی و همراهی دارد (بهشتی، بی تا (الف): ۸۸؛ بهشتی، بی تا (ب): ۹۶). شهید بهشتی خصوصیات مثبت و منفی از مکتب لیبرالیسم را در کتاب پنج گفتار آورده است که عبارتند از:

- ۱- منشاء لیبرالیسم جمع‌گرا، راسیونالیسم و اصالت خرد و اندیشه است.
- ۲- بارقه‌های لیبرالیسم در ابتدا، بر اساس اصالت فرد، خود را عرضه کرد.
- ۳- هرچند لیبرالیسم بر اساس نفی حاکمیت هر نوع جبر و دترمینیسم اجتماعی به وجود آمده است، ولی به سوی پذیرش نسبی جامعه و هویت اصیل جامعه حرکت کرده و سر از سوسیالیسم لیبرال در آورده است (بهشتی، بی تا (الف): ۸۹).
- ۴- مخالفت با حاکمیت و حکومت استبداد فردی.
- ۵- مخالفت با استبداد جمعی؛ لیبرالیسم، برای فرد منزلت قائل است؛ یعنی انسان با جوشش و عقل نافع.

۶- بزرگ‌ترین انتقادی که بر لیبرالیسم وارد می‌باشد، این است که، تنها منبع معرفت و آگاهی را عقل می‌داند و به وحی بها نمی‌دهد.

۷- توجه لیبرالیسم روی آزادی فرد، باعث تنگناهای نامرئی و مرئی سرمایه‌داری جهانی بر عرصه میدان عمل افراد و گروه‌های کوچک شده است که نشانه آزادی بی‌حد اقتصادی است. جامعه بشری دارای دو پشتوانه است؛ پشتوانه اول، ایمان انسان‌هاست که بهترین پشتوانه است. پشتوانه دوم، قانون و اعمال قانون به وسیله دولت و حکومت و نهادهای مسؤل اجتماعی همراه با اعمال قدرت است (بهشتی، بی تا (الف): ۱۰۶-۱۰۱).

شهید بهشتی سه نوع آزادی را گوشزد می‌کند:

الف- آزادی عقیده و اندیشه:

«قرآن در سوره بقره (آیه الکرسی ۲۵۶) می‌گوید:

«لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنِ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا...»

در دین هیچ اکراهی نیست، راه از بی‌راهه آشکار است، هر کس به طاغوت کفر و به خدا ایمان ورزد، محکم‌ترین دست‌آویز را به دست آورده است که گسست‌ناپذیر است.»

خداوند به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: تو باید پیام‌ها و آیات را به درستی به مردم برسانی و به آن‌ها مهلت داده تا ببینند. و لذا آیت‌الله بهشتی بر همین اساس آزادی عقیده و اندیشه را در قانون اساسی جمهوری اسلامی نهادین کرد (سرابندی، ۱۳۵۹: ۵۸۷-۵۸۴؛ بهشتی، ۱۳۸۱: ۱۸).

ب - آزادی بیان

ج - آزادی قلم: خداوند در قرآن، درباره «بیان» می‌فرماید:

«خَلَقَ الْإِنْسَانَ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ» (الرحمن/۳-۴)؛

«خدا انسان را آفرید و به او بیان را تعلیم داد».

هم‌چنین خداوند درباره «قلم» می‌فرماید:

«الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» (علق/۴-۵)؛

«خداوند انسان نا آگاهی را با قلم، تعلیم داد».

خداوند سوره قلم را با قسم به قلم و نوشتن آغاز کرده است:

«ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ» (قلم/۱)؛

«سوگند به قلم و آنچه می‌نویسد».

از سوی دیگر خداوند، شنیدن نظرات دیگران را این گونه ارج نهاده است:

«فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ

أُولُوا الْأَلْبَابِ» (زمر/۱۷-۱۸)؛

«پس بشارت ده به آن بندگان من که سخن حق را گوش می‌دهند و بهترین آن را پیروی

می‌کنند، بدرستی که آن‌ها از خردمندانند».

آیت‌الله بهشتی ضمن تصریح و اعتقاد به آزادی بیان، به صراحت می‌گوید:

«نشر یک‌طرفه عقاید و افکار ضد اسلامی در جامعه اسلامی غدغن است و از انتشار کتب

ضاله و نشریات گمراه کننده باید جلوگیری شود، مگر آن که با نشریاتی دیگر همراه باشد که به

خواننده در تجزیه و تحلیل این گونه عقاید و افکار ضد اسلامی کمک‌کند» (بهشتی، ۱۳۸۱:

۱۳۱ و ۱۳۲).

آیت‌الله بهشتی پاسخ‌گویی را برای جامعه اسلامی؛ بویژه یک فرد مسلمان در برابر دیگر جوامع و

مسلمانان، حتی در برابر غیرمسلمان، ضروری می‌داند (لکزایی، ۱۳۸۲: ۷۲؛ بهشتی، ۱۳۸۱: ۹۲).

۴. نقش اخلاق سیاسی در احزاب

از نگاه قرآنی تحزب یا حزب، زیرمجموعه‌ی امر به معروف و نهی از منکر آمده است؛ ولی در نگاه عامه، اجتماعی است که با اشتراکاتی بوجود می‌آید؛ و در فرایند ترسیم شده، برای رسیدن به اهدافی تلاش می‌شود. جایگاه حزب در افکار سیدمحمد بهشتی یعنی «جمع آمدن افکاری چند، برای سازمان یافتن و سازمان پذیرفتن و اعتماد کردن». از نظر وی احزاب در جامعه اسلامی باید ویژگی‌هایی داشته باشند که عبارتند از:

الف- عدم انحصار طلبی اعضای حزب، نسبت به خود و دیگر احزاب، زیرا این خصلت، ناپسند و مخالف اخلاق اسلامی است و از نگاه مدیریتی، یک نوع سوءمدیریت به حساب آمده و کارایی را می‌کاهد.

ب- ارکان حزب باید بر اساس شایسته‌سالاری اخلاقی و مدیریتی انتخاب شوند، در غیر این صورت، تباری جای رقابت را می‌گیرد؛ و حزب از مسیر ترسیم شده خارج می‌شود، و آن وقت است که هیچ منفعتی برای اسلام و جوامع اسلامی ندارد.

ج- نرم‌افزار و برنامه‌های حزب، باید الهی و عام‌المنفعه باشد و همیشه سعی شود از افکار شیطانی مصون بماند؛ یعنی اگر حزب در وادی کسب قدرت مادی افتاد، شیطانی است.

آیت‌الله بهشتی از محدود اندیشمندان حوزوی است که از سال ۱۳۳۲ ه.ش. پس از کودتای ۲۸ مرداد، در فکر ایجاد یک تشکل اسلامی و مردمی بوده است و در این مسیر با بهره‌جویی از تجربیات نهضت ملی نفت، سر سخنانه در فکر تشکیل یک تشکل سیاسی فعال بود. وی پس از پیروزی نظام اسلامی، در اولین فرصت و با همکاری نیروهای انقلابی پیرو خط امام، حزب جمهوری اسلامی را تأسیس و راه اندازی کرد (بهنود، ۱۳۷۷: ۴۲۹). هدف ارکان و بنیان‌گذاران این حزب، عدم تکرار تاریخ بود و عبرت از تجربه ناخوشایند تاریخی که در نهضت نفت و مشروطه، مذهبیبون به حاشیه رانده شده و دستشان از قدرت سیاسی کوتاه شده بود، می‌باشد (جاسبی، ۱۳۷۹: ۳۶۶ و ۳۶۷).

۵. نتیجه‌گیری

آیت‌الله بهشتی با تأسی از اسلام ناب، بر حریت انسان در تمام امورات اجتماعی تأکید داشته و بر اخلاق محور بودن رفتار اجتماعی افراد جامعه اسرار می‌ورزید. وی با بهره‌جستن از رهنمودهای امام خمینی رحمت‌الله‌علیه و اندیشه‌های سید محمدباقر صدر توانست نقشه‌ی راه آینده جمهوری اسلامی ایران را تحت عنوان قانون اساسی تدوین و تصویب نماید. در این مقاله، سعی شد مبانی اخلاقی

اندیشه‌های سیاسی آیت‌الله سید محمد بهشتی به‌عنوان ایدئولوگ نظام اسلامی و شاگرد طراز اول امام خمینی رحمت‌الله‌علیه احصاء و روشن شود؛ که به شرح ذیل از نظر می‌گذرد:

خمیرمایه‌ی اندیشه‌های آیت‌الله بهشتی منبعث از مبانی فکری و آزادمنشانه‌ای است که ملهم از دین مبین اسلام می‌باشد. اخلاق مداری، آزادی، آزادی بیان و آزادی قلم؛ واژه‌هایی هستند که ایشان برای مردمی و اسلامی نگه داشتن انقلاب اسلامی به استخدام ادبیات قانون اساسی درآورد. هر چند شهید بهشتی مبانی افکار لیبرالیسم را به‌طور کلی قبول نداشت؛ ولی با نقادی منصفانه، جنبه‌های مثبت و منفی آن را مورد کنکاش قرار داده و با توجه به اخلاق اسلامی و سیاست دینی، نقطه نظرات خود را در قبال هر کدام از خصوصیات آن بیان کرده‌است.

آیت‌الله بهشتی، در مبارزه با رژیم پهلوی دوم و نقادی لیبرالیسم، احصاء و تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و هم‌چنین مدیریت مجلس خبرگان قانون اساسی؛ بر مدار اخلاق اسلامی و اعتقاد به آزادی بیان برای اعضای خبرگان، اعمال مدیریت کرد. و در هر حال، با گشاده‌رویی از شنیدن صدای مخالف و منتقد، سر باز نزده و هرگونه سخن اعتراضی را با جان و دل پذیرا بود و با سعه صدر پاسخ می‌داد. حتی اگر تصویب مطلبی را به مصلحت انقلاب اسلامی نمی‌دانست، با منطق، استدلال، محترمانه و درعین حال مقتدرانه، حماسی و انقلابی ولی اخلاق‌مدارانه، معترض را قانع می‌کرد.

منابع

- اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی (۱۳۶۴). صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. ج ۱ و ۲ و ۳، تهران: مجلس شورای اسلامی.
- اطهری، سید حسین؛ درودی، مسعود (۱۳۹۲). «بررسی تطبیقی آزادی از نگاه امام خمینی و آیت‌الله شهید بهشتی»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال سوم، شماره نهم، زمستان.
- باهنر، محمد جواد؛ گلی‌زاده، علی (بی‌تا). شناخت اسلام. بی‌جا: چاپ و نشر دفتر فرهنگ اسلامی.
- بی‌نام (۱۳۶۴). صورت مشروح مذاکرات بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. تهران: اداره کل فرهنگ و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی.
- بی‌نام (بی‌تا). مجموعه اسناد و مدارک تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی. به کوشش سید جواد ورعی و همکاران، قم: دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری.
- پورمؤذن، منصور (۱۳۸۷). «اولین شهید انتقاد از غرب و غرب زدگی»، فصلنامه پانزده خرداد، ش ۱۶.
- جاسبی، عبدالله (۱۳۷۹). تشکل فراگیر (مروری بر یک دهه فعالیت حزب جمهوری اسلامی). ج ۱، تهران: مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی.
- جلیلی مراد، آیت‌الله (۱۳۹۲). «بررسی تأثیر اندیشه حکومت‌داری شهید بهشتی بر شکل‌گیری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- جوان آراسته، حسین (۱۳۸۰). مبانی حکومت اسلامی. قم: بوستان کتاب.
- جوان آراسته، حسین (۱۳۸۵). «جمهوریت و اسلامیت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه حکومت اسلامی، ش ۱۰۴.
- حسینی بهشتی، محمد رضا (۱۳۵۸). ترور فکری و ترویج شایعه. تهران: حزب جمهوری اسلامی ایران.
- حسینی بهشتی، سید محمد (۱۳۶۱). اسطوره‌ای بر جاودانه تاریخ (راست قامتان جاودانه تاریخ اسلام). دفتر سوم، تهران: واحد فرهنگی بنیاد شهید انقلاب اسلامی.
- حسینی بهشتی، سید محمد (۱۳۶۱). بررسی و تحلیلی از جهاد، عدالت، لیبرالیسم، امامت. تهران: ستاد برگزاری مراسم هفتم تیر.
- حسینی بهشتی، سید محمد (۱۳۸۰). اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا. تهیه و تنظیم بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید آیت‌الله دکتر بهشتی، تهران: نشر بقیع.
- حسینی بهشتی، سید محمد (۱۳۸۱). آزادی هرج و مرج، زورمداری. تهران: بقیع.
- حسینی بهشتی، سید محمد (۱۳۸۶). حزب جمهوری اسلامی، گفتارها، گفتگوها، نوشتارها. تهران: بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید آیت‌الله دکتر بهشتی.
- حسینی بهشتی، سید محمد (۱۳۸۸). حزب جمهوری اسلامی مواضع تفصیلی. به کوشش بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید بهشتی، تهران: بقیع.
- حسینی بهشتی، سید محمد (۱۳۸۸). حق و باطل از دیدگاه قرآن. تهران: بقیع.

- حسینی بهشتی، سید محمد (۱۳۹۰). پیامبری نگاه دیگری. تهران: روزنه
- حسینی بهشتی، سید محمد (۱۳۹۱). نقش آزادی در تربیت کودکان. تهران: بقیه.
- حسینی بهشتی، سید محمد (بی تا الف). سخنرانی‌های شهید مظلوم آیت الله بهشتی تحت عنوان مکتب‌گرایی و ملی‌گرایی، آزادی در اجتماع مکتب و تخصص، لیبرالیسم. بی‌جا: بی‌نا.
- حسینی بهشتی، سید محمد (بی تا ب). پنج گفتار. قم: انتشارات قیام.
- حسینی بهشتی، سید محمد (۱۳۹۰). مبانی نظری قانون اساسی. تهران: بقیه.
- دیباچی، سید محمد علی (۱۳۸۸). قانون اساسی مدینه. تهران: دفتر مطالعات فرهنگی گروه مطالعات بنیادین حکومتی.
- روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۹ خرداد ۱۳۵۸.
- سرابندی، محمدرضا (۱۳۸۶). سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های آیت الله شهید بهشتی. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- شعبانی، قاسم (۱۳۸۶). حقوق اساسی و ساختار جمهوری اسلامی ایران. تهران: اطلاعات.
- طالبی دارابی، ابراهیم (۱۳۸۵). «انسان و جهان در نظام فکری شهید بهشتی»، پگاه حوزه، شماره ۱۸۵، تیر.
- علوی، پرویز؛ صادقیان، نادعلی (۱۳۸۹). «ریشه‌های فکری اصل تفکیک قوا: اهمیت و دست‌بندی نظام‌های سیاسی بر پایه تفکیک قوا»، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، ش ۲.
- علی‌اکیبر (۱۳۸۳). «نظارت در جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام، ش ۲۳.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۸). مبانی اندیشه سیاسی اسلام. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۷). حقوق اساسی ۱: مبانی حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران. تهران: نشر مجد.
- فارسی، جلال‌الدین (۱۳۶۱). فرهنگ واژه‌های انقلاب اسلامی. تهران: بنیاد فرهنگی امام رضا (ع).
- فوران، جان (۱۳۸۳). مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی. ترجمه احمد تدین، تهران: مؤسسه فرهنگی رسا.
- قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل (۱۳۸۳). حقوق اساسی و نهادهای سیاسی. تهران: نشر میزان.
- قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل (۱۳۷۲). حقوق اساسی و نهادهای سیاسی. ج ۴، تهران: نشر دانشگاه تهران.
- لکزایی، شریف (۱۳۸۰). «ساز و کارهای آزادی سیاسی در اندیشه آیت الله بهشتی»، فصلنامه علمی دانشگاه باقر العلوم، شماره سیزدهم، بهار.
- لکزایی، شریف (۱۳۸۲). آزادی سیاسی در اندیشه آیت الله مطهری و آیت الله بهشتی. قم: مؤسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم).
- لکزایی، شریف (۱۳۸۵). «تأملی در آرای دکتر بهشتی: جایگاه آزادی در نظام سیاسی و تربیتی»، پگاه حوزه، شماره ۱۸۵، تیر.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۸). یادداشت‌های استاد مطهری. تهران: انتشارات صدرا.

- معموری، علی (۱۳۷۹). *نظریه سیاسی شهید محمدباقر صدر*. قم: انتشارات اشراق.
- منصورنژاد، محمد (۱۳۸۷). «تفکیک قوا، ولایت مطلقه فقیه و استقلال قوا»، *فصلنامه حکومت اسلامی*، ش ۱۱.
- موسوی اردبیلی، عبدالکریم (۱۳۹۴). *همپای انقلاب، خطبه‌های نماز جمعه*. گردآوری و تدوین سید محمد باقر نجفی کازرونی، قم: مرکز تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی موسوی اردبیلی.
- مهاجری، مسیح (۱۳۶۱). *بهشتی و انقلاب*. تهران: اوج.
- مهاجری، مسیح (۱۳۸۰). *حیات علمی و ارزشی شهید مظلوم آیت‌الله بهشتی*. ج ۸، تهران: سازمان انتشارات روزنامه جمهوری اسلامی.
- مهاجری، مسیح (۱۳۸۲). *حقوق و وظایف شهروندان و دولتمردان*. قم: دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری.
- مهاجری، مسیح (۱۳۸۶). *مبانی و مستندات قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*. قم: دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری.
- مهاجری، مسیح (۱۳۹۳). «حق تعیین سرنوشت از دیدگاه امام خمینی»، *فصلنامه سیاست متعالیه*، ش ۴، بهار.
- مهاجری، مسیح (۱۳۹۳). مقاله «حق انتخاب و تعیین سرنوشت در قرآن کریم»، *مجموعه مقالات همایش بین‌المللی حقوق عمومی در قرآن کریم*، دانشگاه شهید بهشتی و معاونت حقوقی ریاست جمهوری، تهران: ریاست جمهوری.
- مهاجری، مسیح (۱۳۹۵). *مبانی فقهی امر به معروف و نهی از منکر*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- مهاجری، مسیح، سایت خبری *انتخاب*، هشتم تیرماه ۱۳۹۳.
- هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۵). *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*. ج ۱، تهران: نشر میزان.
- هدایت‌نیا گنجی، فرج‌الله (۱۳۸۲). *اندیشه‌های حقوقی شهید بهشتی*. تهران: مؤسسه دانش و اندیشه معاصر.

Research Article

Explanation of the Concept of Religious Democracy in the Political thought of Martyr Ayatollah Seyyed Mohammad Beheshti

Sajad Panahi¹

Date of received: 2022/02/14

Date of Accept: 2022/04/01

Abstract

Before the Islamic Revolution of Iran (1357 AH), religious democracy had no place in the literature of world governance and there was not much belief based on this category. But since Shahid Beheshti's intellectual foundations had divine roots and were based on his religious beliefs; And this belief and gem of the heart made him a firm and determined person, and he had such a belief that the possibility of establishing such a government was not and is not very difficult, but it requires the will, motivation and enthusiasm of all people, the properties and support of the people, and this is the symbol of this importance in the eye-catching presence of the people in the scenes of the revolution. And he considered religious democracy to be the guarantor of advancing the ideals of the Islamic Revolution, and he was firmly convinced that without the people on this path, he would not be able to move forward, and he believed that obedience to the orders of the Imam of the Revolution, and obedience to the strategic orders of Imam Khomeini (PBUH) is the only way to stabilize and survive the Islamic system. This research, with a descriptive and analytical method, aims to answer the question that what are the components of religious democracy from the perspective of the theorist of the Islamic Revolution Constitution, that is, Shahid Beheshti? And this article, in response to the research question; He considers words such as: civil freedom and expression, justice (no class gap), social development (social progress), partisanship (healthy competition) and political ethics (Islamic behavior and leadership) as components of religious democracy.

Keywords: *Morality, Freedom, Saa Sadr, Civil Society, Legalism, Party.*

Citation (APA 6th ed. / APSA)

Panahi, Sajad (2022). "Explanation of the Concept of Religious Democracy in the Political thought of Martyr Ayatollah Seyyed Mohammad Beheshti". Quarterly Journal of Research in History, Politics and Media. Vol. 5, Num. 2, S.No. 18, pp. 81 - 104.

¹. PhD candidate in Political Science, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Qom, Iran.

Email: Panahi.116@gmail.com

Copyright © 2010, KSSI (Karimeh Strategic Studies Institute Of Shiraz). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material.

References

- Alavi, Parviz; Sadeghian, Nadali (1389). "Intellectual roots of the principle of separation of powers: the importance and classification of political systems based on the separation of powers", *Journal of Private Law Studies*, vol. 2. (in Persian)
- Alikhani, Ali Akbar (1383). "Surveillance in the Islamic Republic of Iran", *research journal of Imam Sadiq University*, p. 23. (in Persian)
- Anonymous (1364). *Annotated form of negotiations for the final review of the Constitution of the Islamic Republic of Iran*. Tehran: Department of Culture and Public Relations of the Islamic Council. (in Persian)
- Athari, Seyyed Hossein; Droodi, Masoud (2012). "Comparative study of freedom from the perspective of Imam Khomeini and Ayatollah Shahid Beheshti", *Research Journal of Islamic Revolution*, 3rd year, 9th issue, winter. (in Persian)
- Bahnar, Mohammad Javad; Golizadeh, Ali (Beta). *Knowledge of Islam*. Bija: Publishing House of Islamic Culture. (in Persian)
- Department of Cultural Affairs and Public Relations of the Islamic Council (1364). *Annotated version of the deliberations of the final review council of the Basic Law of the Islamic Republic of Iran. Judges 1, 2 and 3*, Tehran: Islamic Council. (in Persian)
- Dibaji, Syed Mohammad Ali (1388). *The constitution of Medina*. Tehran: Cultural Studies Office of the Department of Basic Governmental Studies. (in Persian)
- Farsi, Jalaluddin (1361). *Dictionary of Islamic Revolution words*. Tehran, Imam Reza Cultural Foundation. (in Persian)
- Foran, John (2013). *Fragile resistance (the history of Iran's social transformations from the Safavid era to the years after the Islamic revolution)*, translated by Ahmad Tedin, Tehran: Rasa Cultural Institute. (in Persian)
- Hosseini Beheshti, Mohammad Reza (1358). *Intellectual terrorism and spreading rumours*. Tehran: Party of the Islamic Republic of Iran. (in Persian)
- Hosseini Beheshti, Seyyed Mohammad (1361). *A myth about the eternity of history (the eternal uprightness of Islamic history)*. The third office, Tehran: Cultural Unit of Martyr of the Islamic Revolution Foundation. (in Persian)
- Hosseini Beheshti, Seyyed Mohammad (1361). *A review and analysis of jihad, justice, liberalism, imamate*. Tehran: Headquarters for the 7th of July ceremony. (in Persian)

- Hosseini Beheshti, Seyyed Mohammad (1380). Union of Islamic Student Associations in Europe. Preparation and organization of the foundation for the publication of the works and thoughts of martyr Ayatollah Dr. Beheshti, Tehran: Baqeh Publishing House. (in Persian)*
- Hosseini Beheshti, Seyyed Mohammad (1381). Freedom, chaos, tyranny. Tehran: Baqeh. (in Persian)*
- Hosseini Beheshti, Seyyed Mohammad (1386). Islamic Republican Party, speeches, conversations, writings. Tehran: Foundation for Publishing the Works and Thoughts of Martyr Ayatollah Dr. Beheshti. (in Persian)*
- Hosseini Beheshti, Seyyed Mohammad (1388). Right and wrong from the point of view of the Quran. Tehran: Baqeh. (in Persian)*
- Hosseini Beheshti, Seyyed Mohammad (1388). The Islamic Republican Party has special positions. By the efforts of the Foundation to publish the works and thoughts of Shahid Beheshti, Tehran: Baqeh. (in Persian)*
- Hosseini Beheshti, Seyyed Mohammad (1390). Theoretical foundations of the constitution. Tehran: Beqaa. (in Persian)*
- Hosseini Beheshti, Seyyed Mohammad (2010). Another view of Prophethood. Tehran: Rozneh(in Persian)*
- Hosseini Beheshti, Seyyed Mohammad (2011). The role of freedom in raising children. Tehran: Baqeh. (in Persian)*
- Hosseini Beheshti, Seyyed Mohammad (Beta A). The lectures of the oppressed martyr Ayatollah Beheshti under the title of schoolism and nationalism, freedom in school community and specialization, liberalism. Without a place: Without. (in Persian)*
- Hosseini Beheshti, Seyyed Mohammad (Beta B). Five words. Qom: Qiyam Publications. (in Persian)*
- Islamic Republic newspaper, June 29, 1358. (in Persian)*
- Jalili Murad, Ayat Elah (1392). "Evaluation of the influence of Shahid Beheshti's governmental thought on the formation of the Basic Law of the Islamic Republic of Iran", Master's Thesis of Public Law, Central Islamic Azad University of Tehran. (in Persian)*
- Jasbi, Abdullah (1379). The comprehensive formation (a review of a decade of activity of the Islamic Republican Party). C1, Tehran: Scientific Publications Center of Islamic Azad University. (in Persian)*
- Javan Arasteh, Hossein (1385). "Republic and Islam in the Constitution of the Islamic Republic of Iran", Islamic Government Quarterly, No. 104. (in Persian)*
- Lakzaei, Sharif (1382). Political freedom in the thought of Ayatollah Motahari and Ayatollah Beheshti. Qom: Bostan Kitab Foundation*

*(Publishing and Publishing Center of Qom University Publicity Office).
(in Persian)*

- Lakzaei, Sharif (1385). "A reflection on Dr. Beheshti's opinions: the place of freedom in the political and educational system", Pegah Hozeh, No. 185, July. (in Persian)*
- Lakzaei, Sharif (2010). "Mechanisms of political freedom in the thought of Ayatollah Beheshti", scientific quarterly of Bagheral Uloom University, number 13, spring. (in Persian)*
- Mamouri, Ali (1379). The political theory of Shahid Mohammad Bagher Sadr. Qom: Ishraq Publications. (in Persian)*
- Mansoornejad, Mohammad (1387). "Separation of Powers, Absolute Jurisprudence and Independence of Powers", Islamic Government Quarterly, No. 11. (in Persian)*
- Motahri, Morteza (1378). Professor Motahari's notes. Tehran: Sadra Publications. (in Persian)*
- Mousavi Ardabili, Abdul Karim (2014). The companion of the revolution, Friday prayer sermons. Collected and compiled by Seyyed Mohammad Baqer Najafi Kazrooni, Qom: Center for organizing and publishing the works of Hazrat Ayatollah Azami Mousavi. (in Persian)*
- Nameless (Bita). The collection of documents and documents for the compilation of the constitution of the Islamic Republic. By the efforts of Seyyed Javad Varej and colleagues, Qom: Secretariat of the Council of Leadership Experts. (in Persian)*
- Omid Zanjani, Abbas Ali (1387). Basic rights 1: Basic rights of the Islamic Republic of Iran. Tehran: Majd Publishing. (in Persian)*
- Omid Zanjani, Abbas Ali (1388). Basics of Islamic political thought. Tehran: Islamic Culture and Thought Research Institute Publishing Organization. (in Persian)*
- Pourmouzen, Mansour (1387). "The First Martyr of Criticism of the West and Westernization", Faslanama 15 Khordad, No. 16. (in Persian)*
- Sarabandi, Mohammadreza (2016). Speeches and interviews of Ayatollah Shahid Beheshti. Tehran: Islamic Revolution Documentation Center. (in Persian)*
- Shabani, Qasem (1386). Fundamental rights and the structure of the Islamic Republic of Iran. Tehran: Information. (in Persian)*
- Sharia Judge Panahi, Abolfadl (1372). Basic rights and political institutions. Volume 4, Tehran: Tehran University Press. (in Persian)*
- Sharia Judge Panahi, Abolfadl (1383). Basic rights and political institutions. Tehran: Neshar Mizan. (in Persian)*

Talebi Darabi, Ebrahim (1385). "Man and the world in the intellectual system of Shahid Beheshti", Pegah Hoza, number 185, July. (in Persian)
Young Arasteh, Hossein (1380). The foundations of Islamic government. Qom: Bostan Kitab. (in Persian)



پیشہ و گاہ علوم انسانی و مطالعات اسلامی

سال ۱۴۰۰